

The fields of occurrence and influence of religious doubts in cluster B personality disorders

Hossein Amiri

Master of Psychology, PhD student in Ethics, Department of Ethics, Al-Mustafa International University, Qom, Iran

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Doubt,
religious doubts,
personality disorders,
production of doubt.

Received: 2025/10/07

Accepted: 2025/11/11

*Corresponding author:
amirihossein6121@gmail.com

How to cite this paper:

Amiri, H. (2026). The fields of occurrence and influence of religious doubts in cluster B personality disorders. Interdisciplinary. Journal of culture and Islamic sciences. 10(5): 111-124.

ABSTRACT

Some personality disorders can make an individual more prepared to produce and be influenced by doubts. Identifying and paying attention to these psychological areas helps the individual or the responsible institution to adopt more appropriate planning and strategies in dealing with the doubts of different people.

The aim of this study is to explain the areas of occurrence and influence of religious doubts in cluster B personality disorders. The research method is descriptive-analytical. According to the research findings, the following results were obtained: 1. The characteristics of deception, tendency to aggression, impulsivity and low responsibility in antisocial personality disorder increase the likelihood of producing or being influenced by some religious doubts. 2. The following three characteristics, namely enjoying the spotlight, suggestibility and variety-seeking in the dramatic personality, increase the likelihood of producing or being influenced by doubts. 3. In narcissistic personality disorder, traits of grandiosity, fragile self-esteem, and jealousy increase the likelihood of developing doubts, and 4. In borderline personality disorder, identity problems increase the likelihood of developing or being affected by doubts

DOI: [10.22034/rjcis.2025.15342.1151](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.15342.1151)



بسترهای بروز یا تأثیرپذیری از شبهات دینی در اختلالات شخصیتی خوشه B

حسین امیری

ارشد روانشناسی و دانش پژوه دکتری مدرسی اخلاق، گروه اخلاق، جامعه‌المصطفی (ص)، قم، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
ابتلای به برخی اختلالات شخصیتی می‌تواند آمادگی بیشتری برای تولید و تأثیرپذیری از شبهات را در فرد ایجاد کند. شناسایی و توجه به این زمینه‌های روانشناختی کمک می‌کند تا فرد یا نهاد پاسخگو، برنامه‌ریزی و استراتژی‌های مناسب‌تری در مواجهه با شبهات افراد مختلف اتخاذ کند. در این پژوهش، هدف تبیین بسترهای بروز و تأثیرپذیری از شبهات دینی در اختلالات شخصیتی خوشه B، است. بدین منظور از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، نتایج ذیل به دست آمد: ۱. ویژگی‌های فریب‌کاری، گرایش به پرخاشگری، تکانشگری و مسئولیت‌پذیری پایین در اختلال شخصیت ضداجتماعی، زمینه تولید یا تأثیرپذیری از برخی شبهات دینی را افزایش می‌دهند؛ ۲. سه ویژگی ذیل یعنی لذت بردن از کانون توجه، تلقین‌پذیری و تنوع‌طلبی در شخصیت نمایشی، احتمال تولید یا تأثیرپذیری از شبهات را افزایش می‌دهد؛ ۳. در اختلال شخصیت خودشیفته ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی، عزت‌نفس شکننده و حسادت‌ورزی احتمال تولید شبهه را افزایش می‌دهد؛ ۴. در اختلال شخصیت مرزی مشکلات هویتی زمینه بروز یا تأثیرپذیری از شبهات را افزایش می‌دهد.	نوع مقاله: علمی پژوهشی واژگان کلیدی: شبهه، شبهات دینی، اختلالات شخصیت، تولید شبهه. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۰ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: amirihossein6121@gmail.com ارجاع: امیری، ح.، ۱۴۰۴، بسترهای بروز یا تأثیرپذیری از شبهات دینی در اختلالات شخصیتی خوشه B، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۱۰(۵)، ۱۱۱-۱۲۴.

مقدمه

یکی از اموری که می‌تواند به دینداری افراد آسیب وارد کند، شبهات دینی است. شبهه به معنای «التباس» یعنی پوشیدگی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۵۰۴؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۳۶؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹: ۵۱). شبهه روی تفاوت‌های حق و باطل پرده‌ای افکنده و باطل را شبیه حق جلوه می‌کند؛ در نتیجه بر اثر شباهت ایجاد شده، تشخیص حق از باطل دشوار می‌شود. در روایتی از حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام نقل شده است: «وَ إِنَّمَا سُمِّيتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبُّهُ الْحَقَّ» (الرضی، ۱۴۱۴ق: ۸۱)؛ همانا شبهه چون شبیه حق است، شبهه نامیده شده است. با توجه به خاصیتی که شبهه دارد، می‌تواند باطل را شبیه حق جلوه داده و در نتیجه باعث فریب و انحراف افراد شود.

افراد جامعه همواره در معرض انواع شبهات اعتقادی و دینی قرار دارند. در بسیاری از موارد این شبهات توسط رسانه‌های گوناگون به افراد القاء می‌شوند؛ ولی در برخی موارد بدون اینکه رسانه نقش مستقیم داشته باشد، در ذهن فرد شبهه تولید می‌شود. سرعت و تعداد تولید شبهه نیز در همه افراد جامعه یکسان نیست؛ برخی زودتر و بیشتر از دیگران دچار شبهه می‌شوند و برخی نیز دیرتر و کمتر شبهه را تجربه می‌کنند. تفاوت دیگر افراد در تأثیرپذیری از شبهات است؛ یعنی برخی افراد با شنیدن شبهات از سوی دیگران به آسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و برخی دیگر مقاوم هستند و به راحتی تحت تأثیر شبهات قرار نمی‌گیرند. علت این تفاوت‌ها چیست؟ آیا همیشه اطلاعات ناقص یا غلط باعث تولید یا تأثیرپذیری از شبهات دینی می‌شوند؟ یا عوامل دیگری در این زمینه نقش دارند؟ به نظر می‌رسد یکی از این عوامل، وضعیت روانشناختی افراد است. ذهن انسان در برخی حالت‌های روانی آمادگی بیشتری برای تولید و تأثیرپذیری از شبهه دارد. در واقع بسیاری از اختلالات روانی می‌توانند احتمال تولید یا تأثیرپذیری از شبهه را در فرد زیاد کنند.

مرور پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های روانشناختی و اختلالات روانی می‌توانند در انحراف عقیدتی افراد تأثیرگذار باشند؛ به عنوان نمونه در یکی از پژوهش‌ها علل گرایش به عرفان‌های نوظهور توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه‌ای تنظیم شد و ۳۶ نفر از خبرگان به آن پاسخ دادند. پاسخ‌دهندگان امور متعددی را در این زمینه تأثیرگذار می‌دانستند. از جمله این امور، بسترهای فردی از قبیل «میل به متفاوت بودن و قصد جلب توجه دیگران، کنجکاوی، میل به قدرت، تمایل به رسیدن آسان به مقصود» و علل اجتماعی مانند «تعصب قبیله‌ای و فرار از مشکلات خانوادگی» بود (پسندیده، ۱۳۹۳: ۷۱، ۸۹). در پژوهش دیگر پرسشنامه مذکور توسط ۵۰ نفر از دانشجویان پاسخ داده شد. آن‌ها مهم‌ترین علت گرایش به عرفان‌های نوظهور را در ایران همان بسترهای فردی مثل «میل به متفاوت بودن و سرخوردگی فردی» دانسته و ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، سیاسی و علل اقتصادی را به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دادند (لیلی آبادی و عزت‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۸، ۱۰۶). در مطالعه‌ای دیگر ۶۰۰ نفر از دو شهر استان اصفهان انتخاب شدند و میزان گرایش آن‌ها به فرقه‌های انحرافی و اعتقادات فرقه بهائیت مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. از جمله یافته‌های این مطالعه این بود که بی‌هویتی دینی بیشترین تأثیر را در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت دارد (فاطمی‌نسب و قلانی، ۱۳۹۸: ۱۶۸).

در پژوهش دیگری با هدف بررسی اختلالات روانی شایع در اعضای فرق ضد امنیت، ۱۱۳ نفر از گرایش‌یافتگان به فرق انحرافی انتخاب شده و با پرسشنامه MMPI مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد ۷۷٪ از این افراد، حداقل در یکی از مقیاس‌های MMPI نمره بالایی اخذ کرده و دارای یک نوع اختلال روانی‌اند. بیشترین درصد ابتلا نیز مربوط به افسردگی و پس از آن خودبیمارانگاری و هیستری می‌باشد (حسینی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۱). تحقیق دیگر در این زمینه، مقاله‌ای است با عنوان «نقش اختلال‌های افسردگی و وسواس در ایجاد زمینه‌های بروز و تأثیرپذیری از شبهات دینی». پژوهشگر در این مقاله سعی کرده است با روش توصیفی-تحلیلی، نقش این دو اختلال در ایجاد زمینه‌های بروز و تأثیرپذیری از شبهه را تبیین کند. ایشان در یافته‌های پژوهش سه مؤلفه مهم در افسردگی را مطرح می‌کند که زمینه‌ساز بروز شبهه هستند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مثلث شناختی منفی، روان‌بنه‌های ناسازگار و خطاهای منطقی. در تبیین نقش وسواس نیز دو عامل مهم را مطرح می‌کند که عبارتند از: ۱. ابتلا به تردیدهای وسواسی و ۲. تمایل شدید به رهاشدن از نگرانی و درماندگی. این حالت‌ها می‌توانند بستر مناسب برای بروز یا تأثیری‌پذیری از شبهات را فراهم سازند (امیری، ۱۴۰۳: ۱۱).

در پژوهش‌های فوق‌نقش همه اختلالات مورد بررسی قرار نگرفته است. برای افزایش کیفیت پاسخگویی هنگام مواجهه با شبهات دینی و همچنین ارتقاء کیفیت تبلیغ لازم است همه اختلالات مرتبط با تولید شبهه، شناسایی شده و نقش آن‌ها در این زمینه تبیین شوند تا بر اساس آن‌ها برنامه‌ریزی‌های تبلیغی و فرهنگی مناسب‌تری اتخاذ شود. در نوشتار حاضر مجال بررسی همه اختلالات مرتبط با این مسئله نیست و فقط نقش برخی اختلالات شخصیتی در ایجاد زمینه‌های بروز یا تأثیرپذیری از شبهه تبیین می‌شود. اختلال شخصیت^۱ عبارت است از الگوی ناسازگارانه و بادوام تجربه‌درونی و رفتار که به زمان نوجوانی یا جوانی برمی‌گردد و حداقل در دو زمینه از چهار زمینه ذیل خود را نشان می‌دهد: ۱. شناخت؛ ۲. هیجان‌پذیری؛ ۳. عملکرد میان‌فردی و ۴. کنترل تکانه. این الگوی انعطاف‌ناپذیر، در موقعیت‌های فردی و اجتماعی مختلف مشهود است و باعث می‌شود فرد در این موقعیت‌ها دچار پریشانی یا اختلال شود (هالچین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۸۶). در ضمن، گفتنی است بر خلاف افراد مبتلا به اختلالات خلقی یا اضطرابی، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت احساس ناراحتی یا اضطراب نمی‌کنند و ممکن است، تمایل به تغییر رفتار خود نداشته باشند (همان).

بدون شک شناسایی و توجه به این زمینه‌های روانشناختی کمک می‌کند تا فرد یا نهاد پاسخگو برنامه‌ریزی و استراتژی‌های مناسب‌تری در مواجهه با شبهات افراد مختلف اتخاذ کند. به بیان دیگر در امر پاسخگویی اگر وضعیت‌های روانی افراد نادیده گرفته شوند و صرفاً به پاسخگویی علمی اکتفا شود، ممکن است پیشرفت چشمگیری در امر پاسخگویی حاصل نشود. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود بسترهای تولید و تأثیرپذیری از شبهات دینی در اختلالات شخصیتی خوشه B مورد تبیین قرار گیرد. به این ترتیب پرسش پژوهش این است که بسترهای تولید و تأثیرپذیری از شبهات دینی در اختلالات شخصیتی خوشه B چیست؟

^۱. personality disorder

روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. بدین منظور ابتدا بر اساس منابع روانشناسی هر یک از این اختلالات معرفی می‌شود. سپس با توجه ویژگی‌های هر اختلال سعی می‌شود زمینه‌های تولید یا تأثیرپذیری از شبهات شناسایی و تبیین شود. البته در اکثر تبیین‌ها تلاش شده است با استناد به منابع دینی یا داده‌های تجربی، شواهدی برای تأیید آن‌ها ارائه شود.

یافته‌ها

ده نوع اختلال شخصیتی وجود دارد که در سه گروه یا خوشه طبقه‌بندی شده‌اند. یکی از این خوشه‌ها، خوشه B است که چهار اختلال را در برمی‌گیرد. در ادامه تلاش می‌شود در قالب چهار بخش زمینه‌های تولید یا تأثیرپذیری از شبهه در این اختلالات تبیین شود. در هر بخش ابتدا معرفی مختصری از اختلال می‌شود و سپس ارتباط آن با شبهه تبیین می‌شود.

۱. نقش اختلال شخصیت ضد اجتماعی در شبهات دینی

۱.۱. معرفی اختلال شخصیت ضد اجتماعی

ویژگی برجسته افراد مبتلا به این اختلال، گرایش آن‌ها به نادیده گرفتن حقوق دیگران و تجاوز کردن به آن است. آن‌ها این کار را از طریق ترکیب رفتارهای فریبکارانه، پرخاشگرانه و ضد اجتماعی انجام می‌دهند. این افراد الگوی دائمی رفتار اجتماعی نشده و غیرمسئولانه دارند و به ایمنی خود یا دیگران اهمیتی نمی‌دهند (باچر و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۲۵). معمولاً شخصیت‌های ضد اجتماعی دارای ظاهری عادی، حتی فریبنده و راضی‌کننده هستند. دروغگویی، فرار از مدرسه و منزل، دزدی، نزاع، سوء مصرف دارو و فعالیت‌های غیرقانونی، تجربیاتی است که در نوع این افراد وجود دارد و از دوران کودکی شروع می‌شوند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۸۷).

به‌طور کلی نشانه‌های تشخیصی این اختلال عبارتند از: اقدام مکرر به رفتارهایی که منجر به بازداشت می‌شوند، فریبکاری، تکانشگری، تحریک‌پذیری و پرخاشگری، بی‌توجهی به امنیت خود و دیگران، عدم مسئولیت‌پذیری و عدم پشیمانی از رفتارهای نامطلوب خود. برای احراز این اختلال باید حداقل سه مورد از نشانه‌های فوق از ۱۵ سالگی در فرد بروز کرده باشد و در حال حاضر حداقل ۱۸ سال داشته باشد (هالچین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۹۳).

۲.۱. بسترهای بروز یا تأثیری پذیری از شبهات در اختلال شخصیت ضد اجتماعی

به نظر می‌رسد این اختلال با توجه به ویژگی‌هایی زیر می‌تواند زمینه تولید شبهه را فراهم کند:

۱.۲.۱. فریبکاری: با توجه به اینکه بر اثر شبهه، امر باطل ظاهر حق به خود گرفته و به نوعی زمینه گمراهی را فراهم می‌کند، می‌توان گفت که نوعی فریب در شبهه نهفته است. به بیان دیگر یکی از روش‌های مهم در تولید شبهات، استفاده از فریب است؛ از این رو کسی بهتر می‌تواند ایجاد شبهه کند که ابایی از فریب دیگران نداشته باشد. در تاریخ نیز می‌توان از افرادی مثال زد که با استفاده از فریب توانستند شبهه تولید کنند؛ به عنوان نمونه

می‌توان به پیشنهاد عمروعاص در جنگ صفین اشاره کرد. در این جنگ با پیشنهاد او دشمن قرآن‌ها را سر نیزه کرد و تقاضای حکمیت قرآن را داد. همین امر باعث شبهه و اختلاف در بین یاران امام علی، علیه‌السلام، شد (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۰-۲۱۲).

فرد مبتلا به اختلال ضد اجتماعی از آنجا که تمایل کافی برای فریب‌کاری دارد و چندان هم دچار پشیمانی نمی‌شود، راحت‌تر می‌تواند، شبهه تولید کند؛ به‌خصوص اگر بدانند از طریق شبهه می‌تواند به مقصودش برسد، انگیزه‌اش بیشتر هم می‌شود.

۲.۲.۱. پرخاشگری: فرد مبتلا اختلال شخصیت ضد اجتماعی گرایش به پرخاشگری و خشونت دارد. چنین گرایشی با آموزه‌های برخی فرقه‌های انحرافی سازگار است؛ به عنوان مثال طبق آموزه‌های برخی از فرقه‌های شیطان‌پرستی، شرارت و نفرت نه تنها لازمه ذات انسان محسوب می‌شود بلکه بر سایر ساحت‌های وجودی انسان نیز حکومت دارد؛ لذا استفاده از خشونت طبیعی است (کافی‌راد و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۰). با توجه به چنین تفاهمی اگر افراد دارای شخصیت ضد اجتماعی در معرض گروه‌های خشن انحرافی قرار گیرند، احتمال این که عضوی از این گروه‌ها شده و تحت تأثیر شبهات آن‌ها قرار گیرند، زیاد است.

۳.۲.۱. تکانشگری و تحریک‌پذیری: از دیگر ویژگی‌های تشخیصی که برای این اختلال ذکر شده است، تکانش‌گری و تحریک‌پذیری است (هالجین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۹۳). افرادی که دارای چنین ویژگی‌هایی هستند، پذیرش برخی مفاهیم دینی از قبیل گذشت، صبر و مدارا برای آن‌ها مشکل است. این افراد از آنجایی که زود تحریک می‌شوند و در بسیاری از موارد بدون فکر اقدام به عمل می‌کنند، به راحتی نمی‌توانند پرخاشگری خود را کنترل کنند؛ لذا این احتمال وجود دارد که نسبت به آموزه‌هایی مانند صبر و گذشت، شبهه ایجاد کنند یا شبهات دیگران در مورد این مفاهیم را زودتر بپذیرند.

۴.۲.۱. عدم مسئولیت‌پذیری: یکی از نشانه‌های تشخیصی در اختلال ضد اجتماعی بی‌مسئولیتی است (هالجین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۹۳). این ویژگی می‌تواند پابندی به آموزه‌ها و احکام دینی را دشوار کرده و در نتیجه زمینه مخالفت یا بروز شبهه علیه آموزه‌های دینی را در فرد فراهم کند. برخی پژوهشگران جهت‌گیری مذهبی را با صفات شخصیتی در دانشجویان، مورد بررسی مقایسه‌ای قرار داده و به این نتیجه رسیدند که وظیفه‌شناسی بهترین متغیر پیش‌بینی کننده مذهب است (شیبانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵) با توجه به این نتیجه می‌توان گفت هر چه افراد مسئولیت‌پذیرتر و وظیفه‌شناس‌تر باشند، احتمال گرایش آن‌ها به مذهب بیشتر است و طبیعتاً راحت‌تر می‌توانند با وظایف مذهبی سازگار شوند ولی اگر افراد مسئولیت‌پذیری پایین‌تر داشته باشند، سازگاری آن‌ها با این وظایف دشوارتر خواهد بود و در نتیجه زمینه مخالفت یا تأثیری پذیری از شبهات، مربوط به وظایف دینی، برای او فراهم خواهد شد.

۲. نقش اختلال شخصیت نمایشی در شبهات دینی

۱.۲. معرفی اختلال شخصیت ضد اجتماعی

در اختلال شخصیت نمایشی^۲ فرد تمایل افراطی دارد که خودش را به صورت بسیار شورانگیز و دراماتیک نشان دهد (هالچین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۱۰).

افراد مبتلا به این اختلال دائماً در صدد جلب توجه دیگران اند و وقتی مورد توجه قرار نمی گیرند، احساس ناراحتی و غم می کنند. رفتار آن‌ها معمولاً نمایشی و حرف زدیشان مبالغه آمیز است؛ برای مثال، آن‌ها در میهمانی‌ها دائماً در صدد جلب توجه دیگرانند و اگر نتوانند توجه همه را جلب کنند، ممکن است به طور ناگهانی، کار نمایشی و غیرعادی انجام دهند تا دیگران متوجه آن‌ها شوند (دی وی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۳). چنین افرادی هنگام مصاحبه کلاً همکاری خوبی نشان می دهند و مایل اند سابقه مفصلی از ناراحتی خود ارائه دهند. ژست‌ها و تأکیدهای عمیق در صحبت آن‌ها فراوان است. ممکن است اشتباهات لفظی مکرر نشان دهند و کلامشان در مجموع پر آب و تاب است (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۸۲).

۲.۲. بسترهای بروز یا تأثیرپذیری از شبهات در اختلال شخصیت نمایشی

به نظر می رسد اختلال شخصیت نمایشی با توجه به ویژگی‌های زیر نقش مؤثری در ایجاد زمینه تولید یا تأثیرپذیری از برخی شبهات دینی را دارد:

۱.۲.۲. لذت بردن از کانون توجه: از ویژگی‌های طرح شبهه این است که باعث جلب توجه دیگران می شود. حال اگر این شبهه مطرح شده با منافع یا امیال اطرافیان تناسب داشته باشد، باعث جلب توجه مثبت و محبت آن‌ها نیز خواهد شد. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد این افراد شدیداً به توجه نیاز دارند. همین ویژگی در افراد مبتلا به اختلال شخصیت نمایشی، می تواند زمینه‌ای برای تولید شبهاتی شود که مطابق امیال اطرافیان یا در تضاد با اعتقادات آن‌ها است؛ زیرا فرد مبتلا به اختلال، از این طریق می تواند در کانون توجه دیگران قرار گرفته و لذت ببرد. این افراد همچنین نسبت به آموزه‌هایی از قبیل حجاب که مانع جلب توجه دیگران است، آسیب پذیر خواهند بود؛ یعنی پذیرش و رعایت چنین آموزه‌هایی برای آنان بسیار دشوار است. لذا احتمال اینکه تحت تأثیر شبهات حجاب قرار گیرند زیاد است. برخی از پژوهشگران نیز نشان دادند جلب توجه یکی از عوامل تأثیرگذار بر بدحجابی است (امامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۶۸).

۲.۲.۲. تلقین پذیری: از جمله ویژگی‌هایی که می توان برای چنین افرادی شمرد این است که بسیار تلقین پذیر هستند؛ به راحتی تحت تأثیر دیگران قرار می گیرند و از بینش تحلیلی بی بهره اند (هالچین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۱۱-۲۱۲). این ویژگی زمینه تأثیرپذیری از شبهات را در آنان فراهم می کند. از این رو شبهه افکنان راحت تر می توانند در ذهن و روان چنین افرادی شبهه ایجاد کنند؛ به عنوان مثال اگر فروشنده لوازم آرایشی، ادعا کند که «آرایش زنانه برای مرد ضروری است؛ چون جذابیت او را بالا برده و نشاط آور است»، فرد نمایشی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ زیرا که اولاً آرایش برای او جذابیت می آورد و او هم شدیداً علاقه به جذب و جلب توجه دیگران دارد، دوماً بینش تحلیلی قوی برای بررسی و نقد نظر او را ندارد و بسیار تلقین پذیر است؛ لذا راحت تر شبهه مذکور را خواهد پذیرفت.

^۲. histrionic personality disorder.

۳.۲.۲. تنوع طلبی: از جمله خصوصیات که برای افراد مبتلا به این اختلال بیان کرده‌اند این است که «این افراد تنوع طلب هستند و دائم دنبال هیجان، خوشحالی و لذت‌طلبی تازه‌ای می‌گردند؛ البته به سرعت هم از آن‌ها دلسرد و بی‌حوصله می‌شوند» (شاملو، ۱۳۷۳: ۲۴۱). همین ویژگی آن‌ها را در برابر فرقه‌های نوظهوری که مروج هیجان و لذت‌اند، آسیب‌پذیر می‌کند. در واقع تنوع‌طلبی و متفاوت بودن یکی از علل گرایش به نحله‌های انحرافی، محسوب می‌شود (نوایی، ۱۳۹۲: ۲۱۰). در ضمن تنوع‌طلبی در این افراد می‌تواند باعث خستگی زود هنگام شده و استقامت آن‌ها در پابندی به یک مکتب را دشوار کند؛ از این رو وقتی که چنین فردی نسبت به مناسک دینی خود احساس خستگی و بی‌حوصلگی داشته باشد، زمینه برای تولید شبهه در آن‌ها توسط مروجان فرقه‌های نوظهور فراهم شود.

۳. نقش اختلال شخصیت خودشیفته در شبهات دینی

۱.۳. معرفی اختلال شخصیت خودشیفته

«افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته^۳ [تصور] غیر واقع‌بینانه و کاذبی از اهمیت خود دارند، صفتی که به خود بزرگ‌بینی معروف است» (هالیجین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۱۲-۲۱۳). این افراد در همه چیز به تحسین دیگران نیاز دارند و با مردم همدلی نمی‌کنند. آن‌ها به طور دائم منتظر تعریف و تمجید دیگران‌اند و در صورتی که کسی از آن‌ها تعریف نکند، ممکن است خشمگین شوند. آن‌ها در روابط خود با دیگران انتظار تعهد بیشتری دارند و به نفع خود سوء استفاده می‌کنند. پیشینه آن‌ها پر از روابط نافرجام است. چنین افرادی همسرانی را ترجیح می‌دهند که آن‌ها را ستایش می‌کنند، نه همسرانی که آن‌ها را دوست دارند. همچنین در زیر ظاهر پر سروصدای این افراد درباره موفقیت‌ها و استعدادهایشان، اعتماد به نفس بسیار شکننده وجود دارد (دی وی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۲-۹۳).

۲.۳. بسترهای بروز یا تأثیرپذیری از شبهات در اختلال شخصیت خودشیفته

به نظر می‌رسد ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی، عزت‌نفس شکننده و حسادت‌ورزی در اختلال شخصیت خودشیفته احتمال تولید یا تأثیری‌پذیری شبهات را افزایش می‌دهد.

۱.۲.۳. خودبزرگ‌بینی و تکبر

خودبزرگ‌بینی، خودمحوری، قدرت‌گرایی، تحقیر و استعمار دیگران جزو ویژگی‌های این اختلال محسوب می‌شوند (حسن‌وندی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۳۹). چنین ویژگی‌هایی انگیزه مخالفت با بسیاری از آموزه‌های دین را فراهم می‌کند لذا ممکن است فرد انواع شبهات دینی را تولید کند.

در برخی آیات قرآن نیز به تأثیر کبر در مخالف‌ورزی اشاره شده است. خداوند متعال در سوره غافر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر: ۵۶)؛ «کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آن‌ها آمده باشد ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌هایشان فقط تکبر (و غرور) است و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید. پس به خدا پناه بر که او شنوا و

3. narcissistic personality disorder.

بیناست». با توجه به این آیه آنچه این افراد را وادار به مجادله با حق می‌کند، کبر است. آن‌ها به وسیله کبر، حق صریح روشن را باطل جلوه می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۵۱۷). خداوند متعال در آیه دیگری در مورد ویژگی‌های متکبران می‌فرماید: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۴۶؛ ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۵۱۷)؛ «به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آن‌ها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! (همه اینها) بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند!». با توجه به این آیه می‌توان گفت تکبر تأثیر جدی در دوری از حق و نزدیکی به باطل دارد. چنین افراد نه تنها انگیزه برای مخالفت و تولید شبهه علیه آموزه‌های دین را دارند بلکه مستعد پذیرش شبهات گمراهان نیز هستند.

۲.۲.۳. عزت نفس شکننده

عزت نفس شکننده، یکی از ویژگی‌های اختلال شخصیت خودشیفته محسوب می‌شود (حسن‌وندی و دیگران، ۱۴۰۲: ۶۱). عزت نفس در بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای انسان تأثیرگذار است. در روایتی از امام هادی، علیه‌السلام، نقل شده است: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳: ۸۳)؛ «کسی که نفسش برای او کم ارزش باشد، از از شر او در ایمن نباش». این روایت به‌خوبی حکایت از آثار منفی عزت نفس پایین دارد. در واقع عزت نفس پایین انسان را مستعد انواع واکنش‌های انحرافی و نامطلوب می‌کند و بالعکس عزت نفس بالا زمینه بروز رفتارهای مطلوب را در انسان فراهم می‌کند. مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است به عنوان نمونه، نتایج مطالعه میدانی گرشاد و دیگران نشان می‌دهد که بین گرایش مذهبی و میزان عزت نفس ارتباط معناداری وجود دارد و با افزایش گرایش مذهبی، میزان عزت نفس افزایش پیدا می‌کند (گرشاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳۹). همچنین یافته‌های بهرامی‌احسان و تاشک نیز حکایت از این می‌کنند که رابطه عزت نفس و جهت‌گیری مذهبی، مثبت است (بهرامی‌احسان و تاشک، ۱۳۸۳: ۴۱). گروهی دیگر از پژوهشگران رابطه بین عزت نفس و حجاب را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین عزت نفس و نگرش به حجاب رابطه مثبت وجود دارد. هر چه نمره عزت نفس بالاتر باشد، نگرش به حجاب نیز مثبت‌تر است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۷؛ طاهری، ۱۴۰۳: ۱۹۶).

در مجموع بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد میزان عزت نفس در نگرش‌ها و رفتارهای دینی انسان تأثیرگذار است و هرچه عزت نفس کمتر باشد انسان مستعد انواع نابهنجاری و انحرافات دینی می‌شود. طبیعتاً در چنین انگیزه و زمینه بیشتری برای تولید شبهه خواهد بود.

۳.۲.۳. حسادت‌ورزی

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در فرد خودشیفته ممکن است بروز کند، حسادت‌ورزی است (حسن‌وندی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۳۹). چنین افرادی از آنجایی که خود را بزرگ و توانایی‌شان را بیش از حد نشان می‌دهند و طبیعتاً دوست

ندارند ضعیف‌تر از دیگران تلقی شوند، احتمال دارد نسبت به توانایی‌های دیگران مدام ایجاد شبهه کنند تا با کوچک کردن آن‌ها خود را بزرگ نمایند. به بیان دیگر «آن‌ها آرزوهای زیادی برای زندگی خودشان دارند و از کسانی که به نظر آن‌ها موفق‌تر، زیباتر یا باهوش‌تر هستند به شدت می‌رنجند» (دی وی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۳). از این رو چنین اختلالی زمینه برای حسادت ورزی ایجاد می‌کند و همین حسادت می‌تواند باعث تولید شبهه نسبت به توانمندی‌ها و نظریات علمی افراد برجسته شود؛ به عنوان مثال اگر فرد ببیند که یک کارشناس دینی به علت بیان نکات مذهبی مورد توجه دیگران قرار می‌گیرد، احتمال دارد به خاطر حسادت، نکات مذهبی بیان شده توسط آن کارشناس را زیر سؤال ببرد تا از این طریق اعتبار علمی کارشناس مورد نظر در اجتماع تنزل پیدا کند و در نتیجه خودش باسوادتر به نظر برسد. در چنین شرایطی می‌تواند نیاز به تحسین را هم در خود ارضا کند.

در طول تاریخ نیز افرادی بودند که بخاطر اینگونه رذایل اخلاقی حق را انکار کرده و آن را باطل جلوه می‌دادند. خداوند متعال در سوره بقره از افرادی خبر می‌دهد از روی بغی^۴ (نه از روی علم) با پیامبر مخالفت کردند: «بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (بقره: ۹۰) توضیح آیه این است که یهودیان قبل از بعثت و هجرت رسول خدا(ص) به مدینه پستییان آن حضرت بودند، و همواره آرزوی بعثت او و نازل شدن کتاب او را داشتند؛ ولی همین که رسول خدا(ص) مبعوث شد و به سوی ایشان مهاجرت کرد با اینکه پیامبر را شناختند و متوجه شدند که او همان کسی است که سال‌ها آرزوی بعثت و هجرتش را می‌کشیدند، حسد بر آنان چیره شد و استکبار مانع از این شد که به او ایمان بیاورند. لذا به او کفر ورزیده و گفته‌های سابق خود را انکار کردند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۵).

۴. نقش اختلال شخصیت مرزی در شبهات دینی

۱.۴. معرفی اختلال شخصیت مرزی

«اختلال شخصیت مرزی با الگوی فراگیر کنترل تکانه ضعیف، خودانگاره بی‌ثبات، خلق و روابط ناپایدار مشخص می‌شود» (هالجین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۴۰). افراد مبتلا به این اختلال تقریباً همیشه به نظر می‌رسند که در یک حالت بحرانی قرار دارند. نوسان خلق در آن‌ها شایع است. ممکن است چنین فردی لحظه‌ای اهل بحث و مجادله و لحظه‌ای دیگر افسرده به نظر برسد و زمانی دیگر نیز از فقدان هر گونه احساس در خود شکایت کند. ماهیت دردناک زندگی آن‌ها را در اقدام‌های مکرر خودآزارانه می‌توان مشاهده کرد. این افراد ممکن است به قصد اخذ کمک از دیگران اقدام به تیغ زدن مچ دست یا رفتارهای خودآزارانه دیگر کنند یا ابراز خشم کرده یا خود را به طریقی از عواطف غیرقابل مقاومت رها سازند. در ضمن چون حس وابستگی و پرخاشگری در آن‌ها شدید است، روابط اجتماعی افراد مبتلا به این اختلال، پر آشوب است. گاهی به شدت به کسانی که بر آن‌ها متکی‌اند، می‌چسبند و وقتی از دوستان صمیمی خود ناکامی ببینند، شدیداً از آن‌ها خشمگین می‌شوند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۹۱-۲۹۲).

۴. منظور از بغی، حسادت نسبت به پیامبر(ص) است (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۱۴).

۲.۴. بسترهای بروز یا تأثیرپذیری از شبهات در این اختلال

به نظر می‌رسد وجود مشکلات هویتی در شخصیت مرزی احتمال تولید و تأثیرپذیری از شبهات مرتبط با این حوزه را افزایش می‌دهد. افراد مبتلا به این اختلال، اغلب از احساس مزمن تنهایی و پوچی و نیز از فقدان احساس هویت ثابت (پراکنندگی هویت) شکایت می‌کنند (همان: ۲۹۲) از این رو چنین اختلالی می‌تواند زمینه را برای تولید شبهاتی که مربوط به خودشناسی یا هدف زندگی است، فراهم کند.

برای توضیح بیشتر این چنین می‌توان گفت افراد مبتلا به این اختلال «اغلب در مورد هویت خودشان، یا اینکه واقعاً کیستند، دچار سردرگمی می‌شوند. حتی بعد از اینکه دوره عادی جستجو هویت را در نوجوانی پشت سر گذاشته‌اند، باز هم مطمئن نیستند که از زندگی چه می‌خواهند، و در سطح عمیق‌تر، فاقد درک خود روشن هستند. عدم اطمینان آن‌ها درباره اینکه کیستند، به صورت تغییرات ناگهانی در گزینه‌های زندگی، مانند برنامه‌های شغلی، ارزش‌ها، هدف‌ها، و نوع دوستان جلوه‌گر می‌شود» (مونچ، به نقل از هالجین و ویتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۹۸). از این رو بعید نیست این افراد به راحتی تحت تأثیر آموزه‌های فرق انحرافی قرار گرفته و جذب آنان شوند. برخی از پژوهشگران نیز در بررسی علل گرایش به فرقه بهائیت به این نتیجه رسیدند که بی‌هویتی دینی بیشترین تأثیر را در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت دارد (فاطمی نسب و قلانی، ۱۳۹۸: ۱۶۴).

در مجموع افراد مبتلا به این اختلال می‌توانند از ابعاد مختلف دچار آشفتگی و سردرگمی در زمینه هویت خود شوند. با توجه به این ویژگی به نظر می‌رسد هم زمینه این وجود دارد که دیگران در او شبهاتی در مورد هویت خود و هدفمندی خلقت انسان ایجاد کنند و هم اینکه خود ممکن است بر اثر آشفتگی در هویت، دچار خستگی روحی شده و هدفمندی خلقت انسان و زندگی را زیر سؤال ببرند. همچنین این افراد ممکن است نسبت به مباحث فلسفی (وجود) نیز تردیدهایی را مطرح کنند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به نقش اختلالات شخصیتی خوشه B در ایجاد بسترهای تولید و تأثیرپذیری از شبهات دینی پرداخته شد. سؤال پژوهشی این بود که بسترهای بروز و تأثیرپذیری از شبهات در اختلالات شخصیت خوشه B چیست؟ در پاسخ بیان شد:

۱. در اختلال شخصیت ضد اجتماعی حداقل چهار مورد از ویژگی‌ها می‌توانند، زمینه تولید شبهه یا تأثیرپذیری از آن را فراهم کنند. یکی از این موارد، «فریب کاری» است. وقتی فرد ابایی از فریب کاری ندارد راحت می‌تواند، امر باطل را حق جلوه‌گر کرده و شبهه تولید کند. مورد بعدی «گرایش به پرخاشگری و خشونت» است. اگر فرد گرایش به خشونت داشته باشد، راحت‌تر تحت تأثیر گروه‌های انحرافی خشن قرار می‌گیرد. مورد سوم «تکانشگری و تحریک‌پذیری» است. کسی که چنین ویژگی را در شخصیت خود دارد، احتمال تولید یا تأثیرپذیری از شبهاتی که مخالف آموزه‌هایی مدیریت هیجان‌اند، در او زیاد است. مورد چهارم «مسئولیت‌پذیری» پایین است. فردی که

مسئولیت پذیری پایین تر داشته باشد، سازگاری او با وظایف دینی دشوارتر خواهد بود و در نتیجه زمینه مخالفت یا تأثیری پذیری از شبهات، مربوط به وظایف دینی، برای او فراهم می‌شود.

۲. در اختلال شخصیت نمایشی سه ویژگی می‌تواند با زمینه‌های بروز یا تأثیرپذیری از شبهه ارتباط داشته باشد؛ مورد اول این است که شخصیت نمایشی از کانون توجه بودن لذت می‌برد؛ از این رو ممکن است با انگیزه جلب توجه اقدام به تولید شبهه کند تا به عنوان شبهه‌گر در کانون توجه قرار گیرد. مورد بعدی، تلقین پذیری در شخصیت نمایشی است. کسی که این ویژگی را دارد، راحت تر تحت تأثیر شبهات دیگران قرار می‌گیرد و مورد سوم تنوع طلبی است. این ویژگی باعث آسیب‌پذیری فرد در مقابل آن دسته از فرقه‌های انحرافی، که مروج لذت و هیجان‌های کاذب‌اند، می‌شود.

۳. در اختلال شخصیت خودشیفته، ویژگی‌های خودبزرگ‌بینی، عزت نفس پایین و حسادت‌ورزی می‌توانند احتمال تولید یا تأثیری پذیری شبهات را افزایش دهد.

۴. در اختلال شخصیت مرزی، مشکلات هویتی مورد تأکید قرار گرفت. بسیاری از افراد مبتلا به این اختلال احساس پوچی و فقدان هویت ثابت را تجربه می‌کنند. در چنین افرادی زمینه بروز یا تأثیرپذیری از شبهات مربوط به هدفمندی خلقت انسان بسیار زیاد است.

به‌طور کلی با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد در مواجهه با شبهات افرادی که مبتلا به این اختلالات شخصیتی‌اند، نمی‌توان صرفاً به پاسخگویی علمی اکتفا کرد. حتی در برخی موارد پاسخگویی علمی، وضعیت را بدتر می‌کند؛ به عنوان مثال وقتی فرد خودشیفته برای اظهار برتری خود و کوچک کردن دیگری اقدام به تولید شبهه می‌کند، اگر فقط پاسخ عملی داده شود، ممکن است بیشتر عصبانی شده و به خاطر لجاجت، شبهات بیشتری تولید کند تا غرور او آسیب نبیند. در چنین شرایطی بهتر است فرد دارای اختلال را به سمت مداخلات درمانی سوق داد. اگر درمان صورت گیرد بسیاری از این شبهات خود به خود از بین می‌روند.

در پایان توصیه می‌شود در امر پاسخگویی به شبهات، شرایط روانشناختی شبهه‌کننده در نظر گرفته شود. همچنین بهتر است متصدیان و نهادهای پاسخگویی به شبهات، راهبردهای مناسب برای مواجهه با چنین افرادی تدوین کرده و به مبلغان یا پاسخگویان مسائل دینی آموزش دهند.

منابع

۱. قرآن مجید؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (بی‌تا)، شرح نهج البلاغه، [قم]، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین.
۴. اتکینسون، ری‌تا ال. و همکاران (۱۳۸۴)، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه حسن رفیعی و دیگران (محسن ارجمند و مرسده سمیعی، تهران، انتشارات ارجمند).

۵. امامی، سیدمجید و دیگران (۱۳۹۳)، «شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه حل‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی سال چهارم، شماره سوم، ص ۴۵۱-۴۷۸.
۶. امیری، حسین (۱۴۰۳ش)، «نقش اختلال‌های افسردگی و وسواس در ایجاد زمینه‌های بروز و تأثیرپذیری از شبهات دینی»، مطالعات شبهه‌پژوهی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۱۱۵-۱۲۹.
۷. باچر و دیگران (مینکا، سوزان و هولی، جیل) (۱۳۸۹ش)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ارسباران.
۸. بهرامی‌احسان، هادی و تاشک، اناهیتا (۱۳۸۳)، «ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، روانشناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، ش ۲، ص ۴۱-۶۳.
۹. حسن‌وندی، محسن و دیگران (۱۴۰۲)، «ویژگی‌های رفتاری اختلال شخصیت خودشیفته از نگاه روانشناسی و آموزه‌های اسلامی»، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره هفتم، شماره چهارم، ص ۱۳۹-۱۵۳.
۱۰. حسن‌وندی، محسن و دیگران (۱۴۰۲)، «ویژگی‌های شناختی اختلال شخصیت خودشیفته از نگاه روان‌شناسی و آموزه‌های اسلام»، مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره هفتم، شماره سوم، ص ۶۱-۷۲.
۱۱. حسینی، سیدعلی و دیگران (۱۴۰۲)، «اختلالات روانی شایع در اعضای فرق ضد امنیت فرهنگی»، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال سیزدهم، شماره چهل و هفتم، ص ۹۱-۱۰۶.
۱۲. دی‌وی، گراهام (۱۳۸۹ش)، آسیب‌شناسی روانی (تحقیق، سنجش و درمان در روانشناسی بالینی)، ترجمه مهدی گنجی، ج ۲، تهران، نشر ساوالان.
۱۳. شاملو، سعید (۱۳۷۳ش)، آسیب‌شناسی روانی، تهران، رشد.
۱۴. شبیانی، حسین و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با صفات شخصیتی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور شهرستان دامغان»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۵۵-۷۶.
۱۵. طاهری، زهرا (۱۴۰۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین)»، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، دوره ۱۷، ص ۱۷۹-۲۰۶.
۱۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۶۷)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: هاشم رسولی، فضل‌الله یزدی طباطبایی و دیگران، بیروت، دار المعرفه.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. فاطمی‌نسب، علی و قلانی، نسرین (۱۳۹۸)، «بررسی دلایل و میزان گرایش به فرقه‌های انحرافی و نقش آن در امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: فرقه ضاله بهائیت)»، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۹-۱۶۸-۱۳۹.

۱۹. کاپلان هارولد جی و بنیامین سادوک (۱۳۷۸ش)، خلاصه روانپزشکی، ترجمه حسن رفیعی و فرزین رضاعی، تهران، انتشارات ارجمند، انتشارات سالمی.
۲۰. کاپلان هارولد جی و بنیامین سادوک (۱۳۷۳ش)، خلاصه روانپزشکی، ترجمه نصرت الله پورافکاری، تهران، آزاده.
۲۱. کافی‌راد، مصطفی و دیگران (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر شیطان‌پرستی و راهکارهای تربیتی مقابله با آن، با الهام از آیات قرآنی»، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ششم، شماره اول، ص ۸۵-۱۰۳.
۲۲. گرشاد افسانه، و دیگران (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه عزت نفس و نگرش مذهبی در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بجنورد ۱۳۹۲»، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دوره هشتم، شماره سوم، ص ۴۴۵-۴۳۹.
۲۳. لیلی‌آبادی، کاظم و عزت‌زاده، مستوره (۱۳۹۵)، «بررسی علل گرایش دانشجویان به عرفان‌های نوظهور (مطالعه موردی دانشگاه تهران واحد غرب)»، مطالعات مدیریت و کارآفرینی، دوره دوم، شماره ۱/۲، ص ۹۸-۱۱۰.
۲۴. هالجین، ریچارد پی. و ویتبورن، سوزان کراس (۱۳۹۱ش)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ج ۲، نشر روان.
۲۵. موسوی، سارا (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه بین ابعاد عزت نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان زن متأهل و مجرد دانشگاه پیام نور واحد اهواز»، اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ص ۸۱-۱۰۰.
۲۶. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، «علل گرایش به نحله‌های انحرافی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره اول، ص ۱۸۹-۲۲۴.

سایت:

SID -
نورمگز -